

شهربانو

نعمت الله صفری فروشانی

در شماره‌های پیش پرسمان، صفحه «روبه رو» به محوری ترین پرسش های شما درباره مذهب شیعه پاسخ گفت؛ تاریخ تشیع (شماره ۱۴)، نقطه آغاز تشیع (شماره ۱۶)، تشیع و ایرانیت (شماره ۲۰) و نقش موالی در تشیع (شماره ۲۳) از موضوعات مندرج بود. در این شماره با طرح یکی از سؤال های مهم و جدی، موضوع تاریخ تشیع را پی می گیریم.

آیا می توان گفت که ریشه تشیع در ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو دختر یزدگرد سوم و تولد امام سجاد علیه السلام نهفته است؟

ازدواج امام حسین علیه السلام با دختری ایرانی و تولد امام سجاد علیه السلام که در بعضی از منابع تاریخی به آن اشاره شده است (۱)، برخی خاور شناسان را واداشته تا ضمن پذیرش فرضیه ایرانی بودن منشأ تشیع، به خیال خود، برای آن توجیه معقولی پیدا کنند. «آرنولد» در این باره چنین می نگارد:

«ایرانیان در نسل حسین و شهربانو، وارثان شاهنشاهی، سنن ملی خود را می دیدند. توجیه علاقه شدید ایرانیان را به خاندان علی علیه السلام و تأسیس تشیع به عنوان مذهب مستقل، می توان در این احساسات جست و جو کرد». (۲)

کریستین سن پس از بیان ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو می نویسد:

«شیعیان بدین ترتیب، اولاد حسین علیه السلام را وارث فرّه ایزدی شاهنشاهان ایران باستان محسوب داشتند و کریم الطرفین شناختند». (۳)

اشپولر نیز در توجیه قیام های ملی ایرانیان که تحت لوای تشیع انجام می گرفت، این چنین به این ازدواج اشاره می کند:

«... به زودی فکر برقراری ارتباطی بین سلسله امامان و بین خاندان ساسانیان بدین ترتیب آغاز شد که گفتند امام حسین علیه السلام با شهبانویی از خاندان یزدگرد سوم ازدواج نموده و از این رو دارندگان مقام امامت،

باید حق رهبری هر دو ملت عجم و عرب را داشته باشند؛ زیرا ایشان هم از قریش و هم از خاندان پادشاهی ایران می باشند». (۴)

شاید بتوان گفت که پشتوانه روایی چنین اندیشه ای، وجود لقب «ابن الخیرتین» (پسر دوبرگزیده) در میان القاب امام سجاد علیه السلام است که در برخی از منابع روایی معتبر شیعه به آن اشاره شده است؛ به امام سجاد علیه السلام پسر دو برگزیده گفته می شد؛ زیرا هاشم برگزیده خداوند از عرب بود و ایرانیان برگزیده خداوند از عجم (غیر عربان) می باشند». (۵)

قسمت اخیر روایت، شاید اشاره به روایتی منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله باشد که در آن آمده است:

خداوند از میان بندگان دو برگزیده دارد؛ برگزیده او از میان عرب، قریش و از میان عجم، قوم فارس است». (۶)

شعر زیر منسوب به ابوالاسود دثلی در مورد امام سجاد علیه السلام به این برگزیدگی اشاره دارد:

«و ان غلاما بین کسری و هاشم
لاکرم من نیطت علیه التمام»

پسری که از پیوند دو نژاد خسرو و هاشم به وجود آمد و برترین کسی است که بر او بازوبند (برای دفع چشم زخم و طلسمات) بسته شده است.

نقد و بررسی

با بررسی تاریخی و روایی به این نتیجه می رسیم که این دیدگاه بسیار سطحی است و نمی توان آن را از مستندات قوی بهره مند دانست.

نکاتی که درباره این دیدگاه به نظر می رسد، عبارتند از:

۱. با مراجعه به منابع متقدم و متأخر، به این نتیجه می رسیم که ایرانی بودن مادر امام سجاد علیه السلام مورد اتفاق منابع نمی باشد؛ بلکه در مقابل این نظر، گزارش های دیگری همچون سندی بودن و کابلی بودن ایشان وجود دارد. (۷)

۲. اختلافات فراوانی که بر سر نام مادر امام سجاد علیه السلام در منابع شیعه و سنی وجود دارد، موجب ایجاد سوءظن برای یک محقق بی طرف می شود و گمان جعل برخی از این گزارش ها را در ذهن او ایجاد می کند و طبیعی است که جعل باید همراه با انگیزه ای قوی باشد و قوی ترین انگیزه در این مورد، وجود جریانات ناسیونالیستی ایرانی در قرن سوم هجری است.

برای روشن تر شدن این اختلاف، کافی است اشاره کنیم که برخی از محققان با استفاده از منابع مختلف چهارده نام (۸) و برخی دیگر شانزده نام (۹) برای مادر امام سجاد علیه السلام برشمرده اند که بسیاری از این نام ها در بحارالانوار مجلسی ذکر شده است. (۱۰)

این نام ها عبارتند از:

۱. شهربانو. ۲. شهربانویه. ۳. شاه زنان. ۴. جهان شاه. ۵. شه زنان. ۶. شهرناز. ۷. جهان بانویه. ۸. خوله. ۹. بَره. ۱۰. سلافه. ۱۱. غزاله. ۱۲. سلامه. ۱۳. حرار. ۱۴. مریم. ۱۵. فاطمه. ۱۶. شهربان.

۳. اختلاف فراوان گزارش های تاریخی و روایی بر سر زمان اسارت او نیز یکی دیگر از مواردی است که موجب سوءظن شده است. برخی روایات اسارت او را در زمان عمر دانسته اند. (۱۱) برخی دیگر نیز اسارت وی را در دوره های بعد می دانند. (۱۲ و ۱۳)

۴. گزارش هایی که او را از اسرای ایرانی به حساب آورده، بر سر شخصیت پدر او اتفاق نظر ندارند و به جز یزدگرد، نام های ایرانی همچون سنجان، نوشجان و شیرویه نیز به عنوان پدر او ذکر کرده اند؛ (۱۴) در حالی که ایرانیان تنها به فره ایزدی و تحفه شاهی برای پادشاهان خود معتقدند و نه دیگر بزرگان.

۵. برخی از مورخان متقدم که همانند مسعودی به ذکر اخباری از اردوگاه ایرانیان در هنگام فرار در مقابله با مسلمانان پرداخته اند و به احتمال زیاد، برخی از این گزارش ها را از منابع ایرانی دریافت کرده اند، هنگام شمردن فرزندان یزدگرد، برای او دخترانی با نام های شاهین و مردآوند ذکر می کنند که این نام ها اولاً با هیچ یک از نام هایی که برای مادر امام سجاد علیه السلام گفته شده (۱۵) سازگاری ندارد و ثانیاً هیچ گزارشی مبنی بر اسارت یکی از آنها به میان نیامده است. (۱۶) علاوه بر این، منابع تاریخی دیگری همچون تاریخ طبری و الکامل ابن اثیر که به صورت سال شمار جنگ های مسلمانان با ایرانیان را تعقیب کرده اند و مسیر فرار یزدگرد به شهرهای مختلف را به خوبی نشان داده اند، در هیچ جا اشاره ای به اسارت فرزندان او

نمی‌کنند؛ (۱۷) در حالی که اهمیت این مسئله بسیار فراتر از بسیاری از حوادث جزئی است که در این کتاب‌ها به آنها اشاره شده است. (۱۸)

نتیجه‌گیری

در میان گزارش‌های تاریخی و روایی شیعه و سنی تا اواخر قرن سوم گزارشی که حکایت کند امام سجاد علیه السلام از نوادگان یزدگرد است، وجود ندارد و تنها از اواخر قرن سوم به بعد است که این گزارش‌ها در منابع شیعی جای خود را باز می‌کند. در این زمان که مصادف با دوران غیبت صغری و تکمیل فرآیند امامت - به اعتقاد شیعه امامیه - می‌باشد، شیعه کاملاً از نظر فقهی و کلامی هویت خود را شناخته است و این گونه روایات ساختگی که تحت تأثیر جریان‌ات ناسیونالیستی شایع شده بود، نمی‌توانست کوچک‌ترین تأثیری در منشأ تشیع یا رشد و گسترش آن داشته باشد.

در پایان مناسب است به این نکته اشاره کنیم که تقریباً تمامی منابع شیعی که مادر امام سجاد علیه السلام را اسیر دانسته‌اند، در این نکته متفقند که او در هنگام تولد امام سجاد علیه السلام از دنیا رفته بود. (۱۹) بنابراین، نمی‌توانسته در صحنه عاشورا زنده باشد.

تفصیل این موضوع به طور مبسوط و مستند در کتاب «پرسش‌ها و پاسخ‌ها» (ج ۱۳، ص ۷۳) مرقوم شده است که دوستان دانشجوی به آن مراجعه نمایند.

پی‌نوشت‌ها

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳.
۲. آرنولد، تاریخ گسترش اسلام، ص ۵۱.
۳. کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۵۲۳.
۴. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.
۵. کلینی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۲، ص ۳۶۹.
۶. مجلسی، بحارالانوار ج ۴۶، ص ۴، به نقل از زمخشری ربیع‌الابرار، ج ۲، ص ۴۴، (نسخه خطی).

۷. محمود افتخار زاده، شعوبیه، ناسیونالیسم ایرانی، ص ۳۰۵.
۸. سید جعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسین علیه السلام ص ۱۰ و ۱۱.
۹. یوسفی غروی، حول السیده شهربانو، ص ۱۵.
۱۰. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۸ - ۱۳.
۱۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۹؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۹؛ به نقل از بصائر الدرجات.
۱۲. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۸.
۱۳. شیخ مفید، الارشاد، ترجمه شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی، ص ۴۹۲.
۱۴. حول السیده شهربانو، ص ۲۸.
۱۵. شعوبیه، ص ۳۰۴.
۱۶. حول السیده شهربانو، ص ۲۵.
۱۷. همان، ص ۳۲۴.
۱۸. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۷۰.
۱۹. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۸ - ۱۳.

منبع

پرسمان، فروردین ۱۳۸۴، شماره ۳۱.